

The principle of freedom to transfer the proceeds of foreign investment in accordance with the rules governing international investment law in the light of international arbitration proceedings

The present article seeks to examine the principle of freedom of transfer of proceeds from foreign investment in accordance with the rules governing international investment law in the light of international arbitration procedure. Assess the Arbitration Center's rulings on issues that could be helpful in this regard. Provide capital gains and income by the foreign investor. If the investor has complied with the conditions related to the rules of jurisdiction of the arbitration center, he can refer to this center to realize his rights and request that his claim be considered according to his request

Keywords: Principle of Freedom of Capital Transfers, Foreign Investment, Arbitration Center, Center Jurisdiction, International Procedure

اصل آزادی نقل و انتقال عواید حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی طبق قواعد حاکم بر حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری در پرتو رویه داوری

بین‌المللی

محمد رحیم بهبهانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۱

بهنام انصافی آذرنویسنده مسئول^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱

زهره فرخی^۳

چکیده

مقاله حاضر در صدد بررسی اصل آزادی نقل و انتقال عواید حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی طبق قواعد حاکم بر حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری در پرتو رویه داوری بین‌المللی است از این رو این پژوهش درصدد آن است تا با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، با مطالعه قواعد بین‌المللی و آرای مرکز داوری مسائلی که می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد را مورد سنجش قرار دهیم، یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که در صورتی که توافقات دو یا چند جانبه و مقررات UNCTAD در کنار قواعد عام بین‌المللی نتواند شرایط مساعدی را برای انتقال اصل، سود و عواید سرمایه‌ای توسط سرمایه‌گذار خارجی را فراهم نماید، سرمایه‌گذار چنانچه شرایط مربوطه به قواعد صلاحیت مرکز داوری را رعایت نموده باشد می‌تواند برای احقاق حقوق خود به این مرکز مراجعه نموده و رسیدگی به دعوی خود را مطابق با خواست خود خواستار شود.

کلمات کلیدی: اصل آزادی نقل و انتقالات سرمایه‌ای، سرمایه‌گذاری خارجی، مرکز داوری، صلاحیت مرکز، رویه بین

المللی

^۱ دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

^۲ استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

^۳ استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

در جهان امروز سرمایه‌گذاری، نه تنها به عنوان یک عامل تعیین‌کننده اقتصادی و صنعتی، بلکه به عنوان یک عامل سیاسی و امنیتی نیز مطرح می‌باشد. در واقع سرمایه‌گذاری خارجی یک فاکتور اساسی در جهت رسیدن به هدفهای اقتصادی، صنعتی، سیاسی و در جهت تامین امنیت ملی به حساب می‌آید رشد اقتصادی که همه کشورها به دنبال آن هستند برابر است با برخورداری و بهره‌وری از دو عامل سرمایه و انرژی می‌باشد. از این رو سرمایه‌گذاری خارجی به یکی از عناصر عمده در پیوند دادن اقتصاد داخلی کشورها و بویژه جوامع در حال توسعه با اقتصاد جهانی تبدیل شده و به عنوان عاملی برای انتقال سرمایه، تکنولوژی، تخصص و مدیریت در تقویت حضور این کشورها در اقتصاد و تجارت جهانی نقش بسزایی یافته و این امر موجب شده که رقابتهای اقتصادی برای بهره‌گیری از فرصتها در جذب سرمایه‌گذاری خارجی به منظور ارتقای جایگاه کشورها در اقتصاد جهانی تشدید شود لذا تحقق این امر منوط به «آزادسازی سرمایه‌گذاری خارجی» است که بدون تضمین اصل نقل و انتقالات آزادانه درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری‌های خارجی، مفهومی ندارد. تضمین انتقالات آزادانه درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی ارتباط نزدیکی با حمایت حقوقی از دارائی‌های سرمایه‌ای نیز دارد. لذا محدودیت‌های اعمال‌شده بر انتقال سود و عایدات مربوط به سرمایه‌گذاری‌های محقق شده مانعی را بر سر راه حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی ایجاد می‌کند. بر این اساس دولت‌ها تلاش می‌کنند تا در رژیم حقوقی خود، نظامات حقوقی و معاهدات بین‌المللی با انعقاد معاهدات بین‌المللی سرمایه‌گذاری، قیدهای احتمالی را که در زمینه انتقالات مربوط به سرمایه‌گذاری‌های خارجی خود و نیز مهدویت‌هایی که در قوانین داخلی دولت‌های طرف معاهده وجود دارد از پیش پای سرمایه‌گذاران متبوع خود بردارند. (میروسی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۰) وجود بیش از ۲۵۰۰ BIT که به‌منزله قانون حاکم در روابط آن می‌باشد و تصمیمات مراجع داوری که درخصوص حل اختلافات طرفین معاهده صادر گردیده موید ادعا می‌باشد آنچه از مسائل مطرح شده در فوق استنباط می‌شود این است که دو مقوله سرمایه‌گذاری خارجی و آزاد سازی آن دو مقوله بسیار مهم و قابل توجه تلقی می‌شوند که پرداختن به آنها از اهمیت و ضرورت فراوانی برخوردار می‌باشد از این رو در این تحقیق نیز تلاش می‌شود رژیم حقوقی حاکم بر انتقالات درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب معاهدات دو و چند جانبه بین‌المللی سرمایه‌گذاری و نقش آراء صادره از مراکز دواوری بین‌المللی و از جمله مراکز داوری ایکسید موردارزیابی و بررسی قرار گیرد. در خصوص آراء صادره از مراکز داوری بین‌المللی و به خصوص مرکز حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی (ایکسید) اگرچه رأی که صراحتاً دلالت بر موضوع مورد تحقیق نماید (علیرغم بررسی صورت گرفته) یافت نمی‌شود، لیکن

با توجه به اصول حاکم بر سرمایه‌گذاری و لزوم پاسخگویی به انتظارات مشروع سرمایه‌گذار که از جمله مهمترین این انتظارات انتظار کسب سود و بازگشت سرمایه و امکان انتقال آن به کشور سرمایه‌پذیر است می‌توان چند نمونه از آرای صادره را مد نظر قرارداد. از این رو هدف این پژوهش بررسی اصل آزادی نقل و انتقالات درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو رویه داوری بین‌المللی و همچنین معاهدات بین‌المللی است.

یافته‌های پژوهش

الف- سیاست‌های اقتصادی و قوانین جذب سرمایه خارجی در ایران

با تصویب قانون برنامه دوم توسعه در نیمه دوم ۱۳۷۲ و پذیرش سرمایه‌گذاریهای خارجی (بند هـ از تبصره ۲۲ قانون) و تصویب قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران، پس از یک دوره توقف طولانی پانزده ساله، بار دیگر جذب سرمایه‌های خارجی مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفت ولی در عمل شاهد عملکرد ضعیفی در جذب سرمایه‌گذاریهای خارجی در کشور بودیم که علت عمده آن را میتوان شرایط خاص اقتصادی و سیاسی، نوسانات نظام ارزی، تفاسیر مختلف و متضاد در خصوص اصول ۴۴ و ۸۱ قانون اساسی و قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی ها برشمرد. از ابتدای سال ۱۳۷۲ تا نیمه اول آبان ماه ۱۳۷۷، ۶۵ طرح با حجم سرمایه‌گذاری بالغ بر ۲ میلیارد دلار در کشور به تصویب رسید. در این میان کشورهای اروپایی با سرمایه‌گذاری ۱/۶ میلیارد دلار و آسیا ۴۰۱/۵ میلیارد دلار بالاترین سهم را به خود اختصاص دادند. کشورهای انگلیس، سوئد و آلمان و ایتالیا بزرگترین سرمایه‌گذاران خارجی اروپایی در ایران بودند.^۱

این روند در برنامه سوم توسعه عمرانی (بند ب ماده ۸۵) نیز ادامه یافت و به دولت نسبت به اخذ با تضمین تسهیلات مالی خارجی اجازه داده شد. در این دوره با روی کار آمدن دولت هشتم و اتخاذ سیاست تنش زدایی شاهد کاهش ریسک حاصل از سرمایه‌گذاری در ایران هستیم اما در نهایت باز هم نتوانسته ایم موفقیت‌های قابل توجهی را در امر سرمایه‌گذاریهای خارجی به ویژه سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۸۲ مؤسسه RCR.J متوسط جذب سرمایه‌گذاری خارجی کشورهایی با ویژگی ایران را ۴/۵ میلیارد دلار می‌داند و مؤسسه پول اروپایی این رقم را ۷/۵ میلیارد دلار برآورد کرده است ایران در این سال حتی موفق به جذب یک پنجم آن نیز نشده است. تنها در سال ۱۳۸۲، ۶۸۵ میلیون دلار سرمایه‌گذاری جذب شده است.^۲

^۱ دفتر بررسی‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، نگاهی به پشت سر، مجلس و پژوهش، مهر و آبان ۱۳۷۸، ص ۲۳۴

^۲ روزنامه شرق، ش ۷۶، ۸/۹/۸۲ مصاحبه با دکتر خزاعی معاون وزیر دارایی

در برنامه توسعه بعدی لزوم جذب سرمایه گذاری خارجی بیش از دیگر برنامه های توسعه ای قبلی مورد تاکید قرار گرفت ماده ۲۴ قانون برنامه چهارم توسعه به دولت اجازه داده جهت رشد اقتصادی، ارتقای کیفیت تولیدات، افزایش فرصت های شغلی و افزایش صادرات در قلمرو فعالیتهای تولیدی اعم از صنعتی، معدنی، کشاورزی، زیر بنایی، خدمات و فناوری اطلاعات در اجرای «قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰ / ۱۲ / ۱۹» به منظور جلب سرمایه گذاری خارجی، زمینه های لازم را از طریق مذکور در بند ب ماده ۳ «قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰ / ۱۲ / ۱۹» فراهم نماید.^۱

قبل از پرداختن به برنامه پنجم توسعه و قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی و رویکرد آنها به بحث سرمایه گذاری خارجی لازم است دیدگاه قانون اساسی نسبت به سرمایه گذاری خارجی بررسی شود. لذا در این مبحث اصول قانون اساسی که با بحث سرمایه گذاری خارجی در ارتباط میباشد را بررسی خواهیم کرد.

ب- قانون اساسی

۱) اصل هشتاد و یکم

در اصل هشتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که «دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجارتي و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.» این اصل در برگیرنده مواردی است که تردید هایی برای خارجیان به وجود می آورد، زیرا، هر چند آنها، به رغم وجود این قانون کم و بیش در ایران سرمایه گذاری میکنند، تردیدهایی که این اصل ایجاد می کند، برای ایران ارزان تمام نمی شود؛ بویژه آنکه نخستین اصل برای جلب اعتماد هرکس، بویژه آنکه خارجی باشد، آن است که به گونه، شفاف با او روبرو شویم، نه اینکه با تفسیر و تاویل بخواهیم خارجی را قانع کنیم که واقعیت با آنچه در ظاهر به نظر می رسد فرق دارد. در ظاهر، این اصل راه را برای ایجاد هرگونه شرکت و مؤسسه توسط هر شخص خارجی، اعم از امریکایی، فرانسوی، آلمانی، هندی و ... بسته است. این اصل از دادن امتیاز صحبت می کند، ولی آیا هر کس که در ایران یا هر جای دیگر در جهان شرکت با مؤسسه های باز می کند، می گوئیم امتیاز تأسیس شرکت یا مؤسسه را گرفته است دستگم، طبق قانون تجارت ایران، تأسیس شرکت امتیازی به شمار نمی رود و همه حق دارند برای تأسیس شرکت اقدام کنند و در این زمینه هیچ فرقی میان خارجی و ایرانی نیست. پس منظور از امتیاز مذکور

^۱ رجوع شود به مجموعه قوانین و مقررات سرمایه گذاری، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، تهران، ۱۳۸۵، ص ۹۲.

چيست؟ به نظر ميرسد که منظور از امتياز در اين اصل، همان حق انحصاری می باشد؛ يعنی همان نکته ای که اين نامه اجرایی «قانون جلب و حمايت سرمايه های خارجی» هم در تبصره «ب» ماده، یک به آن اشاره کرده و مقرر داشته است که سرمايه خارجی نبايد متضمن حقوق انحصاری و امتياز بخصوص باشد.^۱

بنابراين بايد بپذيريم که اصل ۸۱ قانون اساسی، جهت جلوگیری از انحصار خارجی و بستن راههای سرمايه گذاری خصوصی داخلی بنا شده و خارجيان را از داشتن سهام شرکتهای ایرانی منع نکرده است و آنها می توانند تا ۴۹ درصد در شرکتهای داخلی سرمايه گذاری کنند همچنين در اصل ۱۰۳ قانون اساسی مقرر شده «هر گونه قرارداد که موجب سلطه بيگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و ديگر شيون کشور گردد ممنوع است که به نظر می رسد در راستای اصل ۸۱ باشد.

(۲) اصل یکصد و سی و نه

مساله ديگری که در قانون اساسی در مورد سرمايه گذاری خارجی وجود دارد، ماده ای درباره داوری در قراردادها است. «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیئت وزیران است و بايد به اطلاع مجلس برسد، در مواردی که طرف دعوا خارجی باشد و در موارد مهم داخلی بايد به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون مشخص می کند.»^۲

در مورد اين اصل در اين بخش می توان گفت که اين اصل از جمله اصول بحث انگيز قانون اساسی است که دارای منطوق و مفهومی است که می تواند در باب موانع و دشوار بهایی که برای الحاق ايران به کنوانسیون ايکسید وجود دارد، محل بحث باشد که در فصل پایانی به تفصيل به آن خواهيم پرداخت.

(۳) قانون تشويق و حمايت از سرمايه گذاری خارجی

از سال ۱۳۳۴، چارچوب قانونی سرمايه گذاری خارجی در ايران قانون جلب و حمايت سرمايه های خارجی بوده است. متاسفانه اين قانون به رغم وجود برخی نکات مثبت یکسری موارد ضروری را که قوانين ساير کشورها به آنها پرداخته بودند را نداشت از جمله مهمترين محدوديتها و موانعی که در اين قانون وجود داشت عبارت بود از: عدم شمول سرمايه گذاری

^۱ قلی زاده، احد، «نگاهی علمی و کاربردی به موانع حقوقی جذب و حمايت سرمايه گذاری خارجی (با نگرشی به جذب)» مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۳۸۲، شماره ۱۹۳، ص ۱۶۹

^۲ ۱۷. هاشمی، محمد، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ايران، جلد دوم، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۲۰۱.

خارجی به فعالیتهای مشاوره ای، تحقیقاتی و خدماتی همچنین نبود قوانین مدون مدون ناظر بر اجرای اشکال مجاز سرمایه گذاری من جمله قراردادهای BOT، عدم امکان رجوع به محاکم قضایی بین المللی که یکی از بارزترین مشکلات این قانون بود و همچنین عدم حمایت از سرمایه گذاریهای دولت های خارجی که در واقع ورود سرمایه های دولتی طبق این قانون مجاز دانسته نشده بود.

از این رو در راستای انجام اصلاحات در ساختار اقتصادی کشور و لزوم جذب سرمایه های خارجی به عنوان موتور محرک اقتصادی کشور، مجلس ایران طرح قانون جدید سرمایه گذاری خارجی با عنوان قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی را پیشنهاد نمود که نهایتاً در سال ۱۳۸۱ به تصویب رسید. قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی جانشین قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی مذکور که از سال ۱۳۳۴ حاکم بود، گردید. این جایگزین هر چند تحول اساسی و عمیقی قابل رویتی را در ساختارهای حقوقی و قانونی کشور ایجاد نکرده، اما موجب توسعه چارچوب قانونی و محیط فعالیت سرمایه گذاران خارجی در ایران گردیده است.

ج- بررسی پرونده ها و آراء موجود

در مورد اصل آزادی نقل و انتقالات حاصل از منافع سرمایه گذاری میتوان اذعان نمود که اصل آزادی در کنار محاسبه ی خسارات معنوی و مادی میتواند معنا یابد چرا که هیچ کشوری بدون پذیرش مسئولیت ها در جبران خسارات حاصل از انتقال منافع نمیتواند معنای اصل آزادی را در فرایند سرمایه گذاری معین کند و در واقع باید پیش بینی برای بررسی مسئولیت و جبران خسارات احتمالی در باب خسارات بالخصوص معنوی در هنگام انتقالات نیز مورد دقت وافی قرار گیرد تا کشورها بتوانند با فراغ بال به امر سرمایه گذاری بپردازند که در زیر به بررسی پرونده های موجود در این باب پرداخته می شود :

کمیسیون حقوق بین الملل در بخش دوم پیش نویس مواد راجع به مسئولیت بین المللی دولتها، چند ماده را به موضوع جبران خسارت اختصاص داده است. این مواد، علاوه بر شناسایی مسئولیت دولتها به موجب حقوق بین الملل در قبال اعمال متخلفانه آنها، به روشهای ممکن برای جبران خسارت اشاره کرده است. ماده ۳۴ پیشنویس مذکور، سه روش مختلف جبران خسارت را برمی شمرد: اعاده وضع به حال سابق، پرداخت غرامت و جلب رضایت.

در انتخاب نوع مناسب جبران خسارت ناشی از نقل و انتقالات عواید حاصل از سرمایه گذاری و سلب مالکیت سرمایه گذار خارجی، علاوه بر قانونی و غیرقانونی بودن سلب مالکیت، تعلق و تمایل مرجع حل اختلاف به نظرات حقوقی ۲۴ کشورهای

سرمایه پذیر و سرمایه فرست و برخی دیگر از عوامل داخلی و بین المللی مؤثر است. همچنین، تعهد به جبران خسارت، به صورت پرداخت غرامت یا ترکیبی از شیوه های مختلف جبران خسارت از سوی دولت مسئول ایفا میشود. اعاده وضع به حال سابق، به عنوان اولین روش جبران خسارت در حقوق بین الملل شناخته شده است. این روش در تمام مواقع قابل اعمال نیست. از جمله در مورد مصادره ها یا سلب مالکیتها که طرف زیان دیده نمیتواند با استناد به این روش، خواهان رفع زیان از خود شود، باید به روش یا روشهای دیگری توسل جست. بهترین جایگزین برای این نوع جبران، روش پرداخت غرامت است که به عنوان دومین روش جبران در ماده ۳۴ بدان اشاره شده است. پرکاربردترین روش جبران هم، همین روش پرداخت غرامت است و در اکثریت قریب به اتفاق موارد، از این روش استفاده می شود. مخصوصاً در رابطه بین دولت و سرمایه گذار خارجی که هدف اصلی هر دو طرف، کسب سود و درآمد از محل سرمایه گذاری است، به نظر می رسد با پرداخت غرامت و جبران مالی، رضایت طرف زیان دیده به دست آید.

۱) پرونده شماره ۳۴۰-شعبه ۳

حکم شماره ۱۳۳-۳۴۰-۳

خواهان: کلمین فودز اینکورپوریتد

خواندگان: دولت جمهوری اسلامی ایران و شرکت سیمرغ

تاریخ: ۱۳۶۳/۴/۱۸

حاضران: به نمایندگی از طرف خواهان:

آقای فرد آدامز جونیور، رئیس کلمین فودز اینکورپوریتد، به نمایندگی آقای میچل راگوین آقای سال گودمن - وکلا

به نمایندگی از طرف خواندگان: آقای محمدکریم اشراق، نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران آقای خسرو طیبی، مشاور

حقوقی نماینده رابط آقای علی خسروجردی، آقای محمد حاج علیخانی، اعضای هیأت مدیره شرکت سیمرغ آقای بهروز امیر

معینی، مشاور حقوقی شرکت سیمرغ.

سایر حاضران: آقای جان کروک، نماینده رابط ایالات متحده امریکا.

جریان رسیدگی خواهان، کلمین فودز اینکورپوریتد (اختصاراً «کلمین» یا «خواهان») در تاریخ ۱۸ ژانویه ۱۹۸۲ (۲۸ دی ماه ۱۳۶۰) دادخواستی علیه جمهوری اسلامی ایران و شرکت سیمرغ (اختصاراً «سیمرغ») به ثبت رساند. ادعا به سرمایه گذاری در شرکت ایرانی موسوم به سیکل کورپوریشن («سی کل») و ارائه خدمات و تهیه تجهیزات برای شرکت مذکور ارتباط دارد. در تاریخ ۶ ژوئیه ۱۹۸۲ (۱۵۳۰ تیرماه ۱۳۶۱) دولت ایران و سیمرغ هریک دفاعیه ای به ثبت رساندند.

دیوان در نتیجه جلسه استماع مقدماتی منعقد در تاریخ ۷ فوریه ۱۹۸۳ (۱۸ بهمن ماه ۱۳۶۱) دستوری در تاریخ ۴ مارس ۱۹۸۳ (۱۳ اسفند ۱۳۶۱) صادر و برنامه تسلیم مدارک و لوایح و روز ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳ (۹ آبان ۱۳۶۲) را جهت جلسه استماع کلیه موضوعات تعیین نمود. تاریخ جلسه استماع بعداً تا ۲۳ نوامبر ۱۹۸۳ (۲ آذرماه ۱۳۶۲) به تعویق افتاد.

کلمین در تاریخ ۱۵ آوریل ۱۹۸۳ (۲۶ فروردین ماه ۱۳۶۲) لایحه ای مشتمل بر ادله مستند خود به ثبت رسانید. خواندگان نیز لایحه خود را در تاریخ ۱۶ مه ۱۹۸۳ (۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) ثبت نمودند. کل مین در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۳ (۲۳ تیرماه ۱۳۶۲) لایحه خود را در باره ماهیت و اظهاری های شامل ادله مستند دیگر و فهرست شهود و لیست پیوستها تسلیم نمود.

سیمرغ در تاریخ ۱۹ اکتبر ۱۹۸۳ (۲۷ مهرماه ۱۳۶۲) لایحه متقابل و ادله مستند دیگر خود را به ثبت رسانید و کلمین در ۱۸ نوامبر ۱۹۸۳ (۲۷ آبان ماه ۱۳۶۲) پاسخ و لایحه الحاقی و ادله مستند دیگر خود را به ثبت رساند. جلسه استماع در تاریخ ۲۳ نوامبر ۱۹۸۳ (۲ آذرماه ۱۳۶۲) تشکیل گردید.

خواهان شرکتی است که اصولاً به کار تولید تخم مرغ و کلیه فعالیتهای مربوطه اشتغال دارد. شرکت نامبرده در سال ۱۹۶۹ در ایالت دلهور تشکیل شد و ادارات اصلی آن در ایالات متحده امریکا واقع است. خواهان در سال ۱۹۶۹ یک شرکت تابعه خارجی به نام کلمین اینترنشنال لیمیتد («سی.ام.آی») که طبق قوانین برمودا به ثبت رسیده است تشکیل داد.

در تاریخ ۱۴ آوریل ۱۹۷۶ (۲۵ فروردین ماه ۱۳۵۵) سی.ام.آی. و سیمرغ سندی به نام «قولنامه» امضا و مقرر نمودند «یک شرکت سهامی خاص ایرانی» به نام سیکل یا هر نام مورد قبول دیگری به منظور احداث و اداره تأسیسات کاملاً مجهز تولید و فرآورده تخم مرغ و جوجه کبابی که کلمین و سیمرغ سهامداران اصلی آن باشند به ثبت رسانند. در قولنامه همچنین پیشبینی شده بود که سی.ام.آی. ۲۸ درصد کل سرمایه را به میزان ۱۲۵ میلیون ریال یا تقریباً ۱۷۸۵۰۰۰ دلار امریکا به عنوان عواید حاصله از سرمایه گذاری پرداخت کند و برای مدت دو سال از تاریخ تحصیل مالکیت زمین مجتمع جوجه کشی

توسط سیکل، سهامدار سی کل باقی بماند و در پایان این مدت مختار باشد یا به سهامدار بودن خود ادامه دهد یا کلیه سهام خود را در سی کل به سیمرغ که طبق مفاد قصدنامه قرار بود این سهام را حداقل به قیمتی معادل کل سرمایه پرداختی سی.ام.آی. به علاوه ۲۰ درصد بهره خریداری کند به فروش رساند.

سرمایه‌گذاری اولیه سی.ام.آی. در سی کل ۱۷۵۱۲۶ دلار آمریکا بود که به موجب قانون جلب و حمایت سرمایه‌گذاری های خارجی در ایران از خارج وارد شده و در ۱۳ مارس ۱۹۷۷ (۲۲ اسفندماه ۱۳۵۵) به ثبت رسیده بود. مجموع سرمایه گذاری سی.ام.آی. در سیکل تقریباً بالغ بر ۵۰۰۰۰۰ دلار می شد که معادل ۲۸ درصد سرمایه یا ۳۵۰۰ سهم بود و سهم سیمرغ معادل ۷۲ درصد می شد.

سیمرغ در ۱۹۷۷ زمینی را که قرار بود برای مجتمع مرغداری مورد استفاده قرار گیرد به دست آورد و به سی کل اجازه داد و سی کل به آغاز و توسعه عملیات خود اقدام نمود. سیمرغ در کلیه اوقات، کنترل اصلی این عملیات را از طریق کنترل هیأت مدیره سی کل به دست گرفته و سی.ام.آی. یک نماینده در هیأت مدیره داشت. مضافاً کلمین بر فعالیتهای روزمره سی کل به وسیله «چند کارمند فنی» که به استناد موافقتنامه منعقد بین سی کل و کلمین و به شرط پرداخت حقوق و هزینه های مربوطه در اختیار سیکل گذارده شده بودند نظارت داشت. کلمین همچنین قطعات یدکی و خدمات سی کل را تأمین می نمود.

۲) ادعای بهره سرمایه گذاری در سی کل

ادعای کلمین بابت بهره سرمایه گذاری در دادخواست مطرح شد؛ ولی خواهان بعداً تئوری خود را جهت وصول بهره سرمایه گذاری تغییر داد. لایحه ای که در آن خواهان تئوری حقوقی جدید را مطرح کرده بود سه ماه قبل از جلسه استماع به ثبت رسید. سیمرغ در لایحه اکتبر ۱۹۸۳ (مهر ۱۳۶۲) خود به استدلال کل مین که در ژوئیه اظهار شده بود اعتراض نکرد و سیمرغ چهار ماه فرصت داشت که دفاعیه خود را برای جلسه استماع حاضر کند. بر این اساس، دیوان عقیده ندارد که تغییر تئوری به حقوق خواندگان به نحوی لطمه میزند که آن را ناحق سازد. مضافاً به خواندگان فرصت داده شده بود لوائح بعد از استماع به ثبت رسانند و در واقع، آنان چنین نیز کردند.

سی.ام.آی. و سیمرغ در ۱۹۷۶ یک قرارداد طرح مشترک جهت تشکیل و اداره سی کل امضا نمودند. هرچند عنوان این سند «قولنامه» است؛ شروط آن حاوی تعهدات مشخصی بوده و حاکی از آن است که قصد طرفین یک قرارداد بود نه فقر توافق به عقد قراردادی در آینده.

حکم دیوان داوری بدینوسیله به شرح زیر حکم صادر مینماید:

ادعا تا حدودی که متوجه خواننده، دولت جمهوری اسلامی ایران می شود مردود شناخته میشود.

ادعای مربوط به حسابهای دریافتی به میزان ۳۰۰۱۲۸۱/۸۰ دلار مردود شناخته میشود.

خواننده، شرکت سیمرغ، متعهد است و باید به خواهان، کلمین فودز اینکورپوریتد، مبل چهارصد و نود شش هزار و ششصد و سی دلار و یک سنت (۴۳۸۱۸۱۲/۲۳ دلار آمریکا) امریکا بپردازد.

پرداخت مزبور از محل حساب تضمینی مفتوحه طبق بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر به عمل خواهد آمد.

هریک از طرفین مسئول پرداخت هزینه های داوری خود می باشد. این حکم بدینوسیله جهت ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان تسلیم می گردد.

(۳ پرونده های شماره ۴۹ و ۵۰ - شعبه دو

حکم شماره ۱۳۶-۴۹/۵۰-۲

پرونده شماره ۴۹ خواهان: گولد مارکتینگ اینکورپوریتد، به عنوان جانشین هافمن اکسپورت کورپوریشن خواننده: وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران

(۳ پرونده شماره ۱۶۶ - شعبه ۲

حکم شماره ۱۳۹-۱۶۶-۲

خواهان: تایم اینکورپوریتد

خوانندگان: جمهوری اسلامی ایران، بانک صنعت و معدن، شرکت چاپ و نشر دانش نو

حاضران از طرف خواهان: آقای دیوید برانسون، وکیل دعاوی آقای رابرت الیس، نماینده از طرف خوانندگان: آقای محمدکریم اشرف، نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران آقای سیفاله محمدی، مشاور حقوقی نماینده رابط آقای علی خلیلی، نماینده نشر دانش نو آقای جواد ضیایی، نماینده بانک صنعت و معدن

سایر حاضران: آقای جان بی. رینولدز سوم، خانم الیزابت جی. کیفر، مشاوران نماینده رابط ایالات متحده امریکا

خواهان که یک شرکت نیویورکی است مبلغ ۵۹۷۹۰۵ دلار امریکا مطالبه میکند که حسب ادعا به موجب قرارداد منعقدہ بین وی و خوانده، شرکت چاپ و نشر دانش نو («دانش نو») به وی واجب الادا است. خواهان علاوه بر مبلغ یاد شده خواستار دریافت سود و بهره حاصل از سرمایه گذاری و هزینه ها نیز می باشد. در قرا رداد مورخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۶ (۳۰ شهریورماه ۱۳۵۵) ذکر شده است که بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران (سلف خوانده، بانک صنعت و معدن) اسباب تشکیل شرکت را جهت اجرای پروژه های «...» به منظور تأسیس یک مؤسسه مدرن چاپ با کیفیت عالی در ایران جهت پایه گذاری تولید، انتشار و توزیع کتب، مجلات و سایر مطالب چاپی و غیر چاپی...» فراهم آورده است. در قرا رداد شروط و قیودی که خواهان به موجب آن «... مشاوره تخصصی در رابطه با مدیریت و نظارت بر پروژه را ارائه می دهد...» تعیین شده بود. مدت قرارداد، ۴۱ ماه از تاریخ ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۶ (۲۴ شهریورماه ۱۳۵۵) تا ۱۵ مارس ۱۹۸۰ (اسفندماه ۱۳۵۸) قید شده است.

جبران حق الزحمه خواهان در قرارداد به دو صورت پیشینی شده بود. او پرداخت یا بازپرداخت هزینه های تأمین مشاوره تخصصی از جمله حقوق و فوق العاده های مأموریت در محل و خارج از محل پرسنل، هزینه های بالاسری و هزینه سفر و انتقال و مشاوره؛ و دوم یک حق الزحمه دو میلیون و دویست و پنجاه هزار دلاری که در شش قسط شش ماهه هریک به مبلغ ۳۷۵۰۰۰ دلار قابل پرداخت بود و اولین قسط آن باید در موقع امضای قرارداد پرداخت می شد. ادعا بابت یک قسط حق الزحمه پرداخت نشده، ۳۷۵۰۰۰ دلاری است، به علاوه هزینه هایی جمعاً بالغ بر ۵۳۰۵۹۷ دلار بابت ژوئیه ۱۹۷۸ تا سپتامبر ۱۹۷۹ که صورتحساب آنها صادر، ولی پرداخت نشده است. دانش نو منکر مسئولیت بوده و ادعا می کند که خواهانها به درستی وظایف خود را انجام نداده و کارمندان خود را قبل از موعد از ایران خارج و در نتیجه، به دانش نو

خساراتی وارد کرده و ادعای متقابلی به مبلغ ۲۴۸۰۰۰۰۰ دلار امریکا طرح می کند. جلسه استماعی در تاریخ ۱۱ آوریل ۱۹۸۴ (۲۲ فروردین ماه ۱۳۶۳) تشکیل گردید که در آن نمایندگان کلیه اطراف داوری حضور داشتند.

دیوان داوری به شرح زیر حکم صادر مینماید: خوانده، دانش نو، ملزم است مبلغ ۷۷۹۸۴۳ دلار به علاوه بهره به نرخ ۱۲ درصد در سال به خواهان، تایم اینکورپوریتد، بپردازد. بهره متعلقه از تاریخهای مندرج در زیر تا تاریخی که کارگزار امانی به بانک امین دستور پرداخت مبلغ را از حساب امانی صادر نماید، قابل محاسبه می باشد:

الف) بهره مبلغ ۲۳۵۰۴۷ دلار از تاریخ ۱۰ مارس ۱۹۷۹ (۱۹ اسفندماه ۱۳۵۷)،

ب) بهره مبلغ ۳۷۵۰۰۰ دلار از تاریخ ۲۱ آوریل ۱۹۷۹ (اول اردیبهشت ماه ۱۳۵۸)،

ج) بهره مبلغ ۲۳۳۷۳۲ دلار از تاریخ ۱ اکتبر ۱۹۷۹ (۹ مهرماه ۱۳۵۸)

این تعهدات با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوحه به موجب بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر ایفا خواهد شد. مابقی ادعا و ادعای متقابل در ماهیت مردود شناخته می شود. هریک از طرفین مسئول پرداخت هزینه های داوری خود در این دعوا می باشد. بدینوسیله حکم حاضر جهت ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان تسلیم می گردد. لاهه، به تاریخ ۲۲ ژوئن ۱۹۸۴ برابر با اول تیر ماه ۱۳۶۳ وایل ریپهاخن، رئیس شعبه دو.

۴) پرونده شماره ۱۹۴- شعبه دو

حکم شماره ۱۴۰-۱۹۴-۲

خواهان ها: لیسکم کورپوریشن، گیفتد اینکورپوریتد

خواندگان: سازمان انرژی اتمی ایران، بانک مرکزی ایران.

تاریخ: ۱۳۶۳/۴/۲۰.

حاضران از طرف خواهانها: آقای فیلیپ ام. ریزیک، وکیل دعاوی آقای جف ایرکینز، رئیس لیسکم کورپوریشن از طرف خواندگان: آقای محمدکریم اشراق، نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران آقای سیف اله محمدی، مشاور حقوقی نماینده رابط

آقای محمد ادیب نظری، وکیل سازمان انرژی اتمی آقای احسان اله ضیایی و آقای رضا خوانساری موسوی، مشاورین فنی

سازمان انرژی اتمی خانم شیرین ارشادی، نماینده بانک مرکزی

سایر حاضران: آقای جان بی. رینولدز سوم، مشاور حقوقی نماینده رابط ایالات متحده امریکا

خواهانها که هر دو شرکت کالیفرنایی هستند، ادعایی به مبلغ ۶۳۰۰۰۰ دلار امریکا علیه خواننده، سازمان انرژی اتمی دارند، حسب ادعا خواننده این مبلغ را به موجب یک قرارداد فروش و سرمایه گذاری بدهکار است. خواهانها سعی می کنند که این مبلغ به اضافه سود و عواید حاصله از آن را به همراه هزینه ها یا از خریدار، یعنی سازمان انرژی اتمی یا از خواننده، بانک مرکزی ایران که صادرکننده اعتبار اسنادی غیرقابل برگشت بابت معامله بوده، وصول نمایند.

هر دو خواننده، به دلایل چندی، از جمله عدم اجرای شرط بازرسی، منکر هرگونه مسئولیتی در مقابل خواهانها می باشند و سازمان انرژی اتمی ادعای متقابلی به مبلغ ۲۳۴۹۲۲۲ دلار امریکا طرح کرده که شامل ۶۳۰۰۰۰ دلار است که حسب ادعا بانک مرکزی به علت ادعاهای خواهانها آزاد نکرده، ولی در درجه اول این مبلغ بابت هزینه های تهیه و تجهیز آزمایشگاهی می باشد که حسب ادعا سازمان انرژی اتمی به عنوان بخشی از ترتیبات دامنه دارتری که با دکتر جف ایر کینز، رئیس شرکت خواهان لیسکم، جهت اجرای تحقیقات مربوط به غنی سازی اورانیوم لیزر داشته، متحمل شده است. جلسه استماعی در تاریخ ۱۳ آوریل ۱۹۸۴ (۲۴ فروردین ماه ۱۳۶۲) برگزار شد که نمایندگان کلیه اطراف در آن شرکت نمودند.

دیوان به منظور جبران خسارتی که خواهان، لیسکم کورپوریشن، در نتیجه تأخیر تأدیه متحمل شده منصفانه می داند که حکم به پرداخت عواید بهره به نرخ ۱۲ درصد بابت مبلغ بدهی را صادر نماید. بهره باید از تاریخ انقضای اعتبار اسنادی یعنی از ۱۵ نوامبر ۱۹۷۸ (۲۴ آبان ماه ۱۳۵۷) محاسبه شود.

دیوان داوری به شرح زیر حکم صادر می نماید :

خواننده، سازمان انرژی اتمی ایران، متعهد است به خواهان، لیسکم کورپوریشن مبلغ ۶۳۰۰۰۰ دلار به علاوه بهره به نرخ ۱۲ درصد در سال از تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۹۷۸ (۲۴ آبانماه ۱۳۵۷) تا تاریخی که کارگزار امانی به بانک امین دستور پرداخت از حساب تضمینی را صادر می کند، بپردازد. این تعهد با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوحه به موجب بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ و انویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر ساقط خواهد شد. به مجرد آنکه

پرداخت فوق‌الذکر صورت گرفت، خواننده، بانک مرکزی ایران، از هرگونه مسئولیت ناشی از امتناع خود در پرداخت اعتبار اسنادی شماره ۰۸/۹۲۲۸۲ مورخ ۳۱۵ نوامبر ۱۹۷۷ (۲۴ آبان ماه ۱۳۵۶) مبرا خواهد شد. ادعای متقابل خواننده، سازمان انرژی اتمی ایران، علیه خواهان، لیسکم کورپوریشن، نسبت به ۶۳۰۰۰۰ دلار مبلغ قرارداد به لحاظ ماهیت آن مردود شناخته می‌شود. ادعای خواهان، گیتند اینکورپوریتید، و مابقی ادعاهای متقابل به لحاظ فقدان صلاحیت دیوان مردود می‌باشند. هریک از طرفین مسئول پرداخت هزینه‌های داور خود می‌باشد. حکم حاضر بدینوسیله جهت ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان تسلیم می‌گردد. لاهه، به تاریخ ۲۲ ژوئن ۱۹۸۴ برابر با ۱ تیرماه ۱۳۶۳ ویلم ریپهاخن، رئیس شعبه دو

د- پرونده «الف ۴» و «الف ۷»

پرونده‌های مزبور مربوط است به دعاوی ایران علیه دولت آمریکا به خواسته رفع توقیف و استرداد اموال غیرمنقول و منقول جهت انتقال عواید سرمایه‌گذاری دیپلماتیک ایران در قلمرو ایالات متحده (الف ۴) و رفع انسداد حسابهای دیپلماتیک و سایر حسابهای متعلق به دستگاههای دولتی نزد بانکهای آمریکایی (پرونده الف ۷) و جبران خسارات وارده شده. حسب اظهار ایران این اموال شامل ساختمان سفارت و ۱۲ ساختمان دیگر، تعداد ۵۰۰۰ قلم اموال منقول متعلق به نمایندگیهای سیاسی و کنسولی ایران و موجودی حدود ۱۰۰ فقره حساب به مبلغ حدود ۳۵ میلیون دلار در ایالات متحده است. به دنبال صدور دستور اجرایی ۱۲۱۷۰ از سوی رئیس جمهور وقت آمریکا در تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ کلیه اموال ایران در قلمرو آمریکا مسدود گردید. با وجود این دولت آمریکا اجازه داد که محل سفارت و کنسولگریها و اقامتگاه سفیر در اختیار هیأت سیاسی ایران در آمریکا باقی بماند. متعاقباً در ۷ آوریل ۱۹۸۰ آمریکا روابط سیاسی خود را با ایران قطع و یک روز بعد دستور مهر و موم اماکن مذکور را صادر کرد. چندی بعد دولت آمریکا ساختمانها را تصرف و آنها را به اشخاص ثالث اجاره داد. همچنین ایالات متحده بخشی از اموال منقول را که حسب ادعا فاقد ارزش تاریخی بود، برای تأمین مخارج نگهداری اموال غیر منقول به فروش رساند و در حال حاضر فقط تعدادی فرش و اشیای تاریخی به جا مانده است. از میزان عواید حاصل از فروش اموال و چگونگی هزینه آنها اطلاعاتی توسط آمریکا ارائه نشده است.

حسابهای دیپلماتیک ایران نیز برابر دستور اجرایی مزبور مسدود گردید. در مورد تعداد و موجودی حسابها بین طرفین اختلاف نظر وجود دارد. به عقیده ایران حداقل ۳۵ میلیون دلار وجوه دیپلماتیک ایران در حدود ۱۰۰ حساب بانکی وجود داشته است، اما بنا بر جدیدترین اطلاعاتی که دولت آمریکا در یکی از پرونده‌های ضد تروریستی ارائه داده، هنگام صدور

دستور انسداد، تعداد حسابهای دیپلماتیک ایران ۱۶ فقره بوده که یازده فقره آن را کد باقی مانده و موجودی ۵ فقره دیگر به همراه سایر حسابهای مختلفی که به نام ایران بوده، متعاقباً برابر مجوز صادرشده از خزانه داری امریکا، به حسابی تحت عنوان «حساب نوسازی اماکن دیپلماتیک ایران» واریز شده‌است. همچنین اجاره بهای اماکن دیپلماتیک نیز به حساب مزبور واریز گردیده و برداشت از این حساب صرفاً در جهت بازسازی و تعمیر آن اماکن صورت می‌گیرد. ایران با استناد به تعهدات امریکا در بیانیه های الجزایر از جمله اصل «الف» و بند ۹ بیانیه کلی، مبنی بر استرداد کلیه اموال و نیز اعاده وضع مالی ایران به قبل از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ مدعی است که پس از انعقاد بیانیه ها خواننده باید اموال مورد بحث را به ایران اعاده می‌کرد. دولت امریکا در مقابل دفاع کرده که قبل از انعقاد بیانیه ها رژیم حقوقی دیگری بر اموال دیپلماتیک طرفین براساس شرط رفتار متقابل حاکم بوده و لذا این اموال از شمول تعهدات امریکا در بیانیه ها خارج است و دیوان فاقد صلاحیت رسیدگی به دعوا است. در تأیید موضع خود، امریکا از جمله به موافقت ایران در سال ۱۹۹۲ با شرایط آن کشور برای تعیین سفارت پاکستان به عنوان حافظ منافع ایران در واشنگتن استناد می‌کند. تبادل لویای طرفین در این پرونده ها خاتمه یافته، ولی سالها قبل در آستانه تشکیل جلسه استماع، دیوان دآوری بر مبنای تقاضای طرفین با صدور دستور مورخ ۱۱ اکتبر ۱۹۹۴ رسیدگی بیشتر به این دعاوی را معلق کرده و از آن زمان تاکنون هیچگونه سندی توسط طرفین در این پرونده ها ثبت نشده است.

نتیجه گیری

با در نظر گرفتن این مسئله که سرمایه گذاری مستلزم امنیت و داشتن تضمین حقوقی برای حفظ و حمایت از داراییها است و در غیاب یک معاهده یا موافقتنامه بین المللی جهت تضمین سرمایه گذاری، سرمایه گذاران خارجی اصولاً رغبتی به سرمایه گذاری نشان نمی‌دهند و وجود قوانین و مقررات متعدد داخلی نیز تضمین کافی برای سرمایه گذاری به شمار نمی‌رود، موافقتنامه بین المللی از آنجا که واجد ضمانت حقوقی است به سرمایه گذاران خارجی این اطمینان خاطر را می‌دهد که سرمایه آنها در هر صورت محفوظ و در صورت رویداد هرگونه خطر غیرتجاری خسارت وارده طبق موافقتنامه جبران خواهد شد. از سوی دیگر اصولاً شرکتهای بیمه بین المللی تمایلی به برقراری پوشش بیمه‌ای برای سرمایه گذاری در کشوری که فاقد موافقتنامه دوجانبه و چندجانبه سرمایه گذاری است ندارند و دلیل آن دشواری استیفای حقوق تضییع شده در این کشورها است. بنابراین با فقدان موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه گذاری خارجی

بین دولت متبوع سرمایه گذار خارجی و دولت سرمایه پذیرشرکتهای بیمه یا اصولاً از بیمه نمودن سرمایه گذاری در آن کشور امتناع می‌نمایند و یا با توجه به میزان ریسک سرمایه گذاری در آن کشور نرخ بالایی برای بیمه کردن سرمایه گذاری تعیین می‌کنند. بنابراین با بررسی این مقاله می‌توان بیان داشت که از یک سو سرمایه گذار خارجی چه بسا با احتیاط و اکراه در فضای رقابتی جذب سرمایه (میزبان، سرمایه پذیر) وارد می‌شود و به همین جهت سرمایه گذاری، نیاز به تشویق و انتقال اصل و سود آن نیاز به تضمین دارد زیرا ویژگی مهم سرمایه گذاری انتقال سرمایه است.

الف. منابع فارسی

- دفتر بررسی های اقتصادی، سرمایه گذاری خارجی در ایران، نگاهی به پشت سر، مجلس و پژوهش، مهر و آبان ۱۳۷۸، ص ۲۳۴
- روزنامه شرق، ش ۷۶، ۸/۹/۸۲ مصاحبه با دکتر خزاعی معاون وزیر دارایی
- رجوع شود به مجموعه قوانین و مقررات سرمایه گذاری، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، تهران، ۱۳۸۵. ص ۹۲.
- قلی زاده، احد، «نگاهی علمی و کاربردی به موانع حقوقی جذب و حمایت سرمایه گذاری خارجی (با نگرشی به جذب)» مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۳۸۲، شماره ۱۹۳، ص ۱۶۹
- هاشمی، محمد، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، نشر دادگستر، ۱۳۷۷. ص ۲۰۱.